

ما می‌گوییم:

۱. با توجه به آنچه گفتیم، می‌توان گفت، آنچه مرحوم نائینی در توضیح اراده جدی و اراده استعمالی مطرح کرده است، کامل نیست.

مرحوم نائینی می‌نویسد:

اگر اراده استعمالی، اراده ایجاد معنی توسط لفظ است، که این همان اراده جدی است و اگر اراده استعمالی، اراده‌ی شوخی کردن است، در این صورت اراده استعمالی و اراده جدی تفاوت دارد ولی در این صورت باید بگوییم «متکلم اراده جدی دارد که کلام را در معنای خود استعمال کند ولی انگیزه او از این استعمال شوخی کردن است»، و این سخن کامل نیست.^۱

«(و یرد علیه) ان الإرادة الاستعمالية ان أريد بها إرادة إيجاد المعنى البسيط العقلاني باللفظ بحيث كان اللفظ و الإرادة مغفولين عنهما حين الاستعمال فهذه بعينها هي الإرادة الجدية التي بها يتقوم استعمال اللفظ في معنى ما و ان أريد بها الإرادة الهزلية المقابلة للإرادة الجدية و الداعية إلى إرادة إيجاد المعنى باللفظ فهي و ان كانت لا تنافي استعمال اللفظ في معناه الموضوع له لوضوح ان الاستعمال الحقيقي لا يدور مدار كون الداعي إلى الاستعمال هو خصوص الإرادة الجدية إلّا انه لا يعقل الالتزام بكون الداعي إلى استعمال العمومات الواردة في الكتاب و السنة في معانيها هي الإرادة الهزلية»^۲

۲. ما حصل فرمایش مرحوم نائینی آن است که:

متکلم وقتی اراده می‌کند که لفظ را در معنی استعمال کند، اراده استعمالی دارد. حال گاهی انگیزه او برای اینکه چنین استعمالی را اراده کند، جدی است و گاهی انگیزه او شوخی است. اگر انگیزه او، جدیت در کار است، اراده استعمالی و اراده جدی یکی است و الا اراده استعمالی و اراده شوخی یکی نیست.

پس گویی مرحوم نائینی به دنبال آن است که بگوید «اراده استعمالی» گاه جدی است و گاه شوخی است. یعنی یک اراده استعمالی است که گاه جداً اراده شده است و گاه جداً اراده نشده است (در حالیکه مطابق آنچه گفتیم، اراده استعمالی و اراده جدی دو اراده متفاوت است و سخن درباره یکی بودن مراد جدی و مراد استعمالی است)

۳. اما این سخن کامل نیست چرا که:

۱. اجود التقريرات، ج ۲، ص ۳۰۱

۲. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۴۴۷



وقتی متکلم اراده می‌کند که لفظ را در معنی استعمال کند، اراده استعمالی حاصل می‌شود و در این اراده، غرض آن است که معنی توسط لفظ تفهیم شود اما اینکه چرا متکلم می‌خواهد معنی را به مخاطب تفهیم کند، نکته دیگری است: گاه انگیزه این کار (یعنی علت اینکه متکلم اراده استعمالی دارد و معنا را به وسیله لفظ تفهیم کرده است)، آن است که مخاطب به آنچه فهمید عمل کند یا آن را بداند (و تمام مراد متکلم هم همان است) و گاه می‌خواهد مخاطب را به اشتباه بیندازد و گاه می‌خواهد مطلبی در ذهن مخاطب شکل بگیرد و او آماده برای فهمیدن قیود دیگر کلام شود.

اگر علت اینکه اراده استعمالی در متکلم شکل گرفته است، آن است که متکلم فقط به همین مضمون کلام رهنمون شود (آن را در جملات خبری بداند یا در اوامر و نواهی به آن عمل کند) و مراد متکلم هم فقط همین است، می‌گوییم مراد جدی متکلم همان مراد استعمالی اوست ولی اگر علت اینکه متکلم چنین استعمالی داشته است (اراده استعمالی)، آن است که مخاطب به اشتباه بیفتد و باعث خنده شود، می‌گوییم مراد استعمالی متکلم، مراد جدی متکلم نیست و غرض شوخی و تمسخر است.

ولی اگر گفتیم علت اینکه متکلم چنین استعمالی داشته است (اراده استعمالی) آن است که مخاطب فعلاً مطلبی را فرا بگیرد تا در موقع لزوم قیود دیگر کلام به او القا شود، در این صورت می‌گوییم مراد جدی متکلم غیر از مراد استعمالی اوست. (و ممکن است علل دیگری هم در این مقام فرض شود)

پس:

مراد جدی متکلم آن معنایی است که متکلم انتظار دارد مخاطب آن را بداند یا به آن عمل کند، در حالیکه متکلم قصد شوخی و امثال آن (مثل امتحان و ...) هم ندارد.

